

طلایه داران تجدید شعردری در افغانستان  
(۱۲۸۰ - ۱۳۴۰)

علی شیر رستگار

کابل: ۱۳۹۷

ISBN= ۹۷۸-۹۹۳۶-۶۴۵-۲۷-۱



اکادمی علوم افغانستان



اکادمی علوم افغانستان

نام کتاب: طلایه داران تجدد شعر دری در افغانستان (۱۲۸۰-۱۳۴۰)

■ نویسنده: علی شیر رستگار

■ استاد راهنما: سرمحقق سیدعلیشاه روستایار

■ ادیت و اهتمام: معاون سرمحقق خادم احمد حقیقی

■ صفحه آرایی: علی شیر رستگار

■ نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۷

■ ناشر: ریاست اطلاعات و ارتباط عامه اکادمی علوم افغانستان

■ تیراژ: ۵۰۰ جلد

ISBN=۹۷۸ - ۹۹۳۶ - ۶۴۵ - ۲۷-۱

## فهرست مطالب

۹.....	پیشگفتار.....
۱۱.....	نظر استاد ره‌نما.....
۱۳.....	تقریظ.....
۱۵.....	تقریظ.....
۱۷.....	تقریظ.....
۱۹.....	مقدمه.....

### فصل اول

۲۵.....	مروری بر گذشته موضوع.....
---------	---------------------------

### فصل دوم

۳۵.....	اوضاع اجتماعی، سیاسی فرهنگی و ادبی در آستانه تحول و تجدید (۱۲۸۰-۱۳۴۰هـ ش).....
۳۵.....	۱- اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور از سال (۱۲۸۰ش / ۱۹۰۱م - ۱۲۹۸ش / ۱۹۱۹م).....
۳۸.....	الف) سراج‌ال‌اخبار، توسعه دهنده جنبش‌های تجدیدگرا.....
۴۶.....	ب) آهنگ بیدارگری مشروطه خواهان و تأثیر آن بر فرهنگ و ادب.....
۵۳.....	ج) مشروطه خواهان دوم و تأثیر آن بر آفرینش‌های ادبی.....
۶۰.....	د) بازتاب اندیشه‌های استقلال طلبی و مطالبات نهضت مشروطه خواهان و تأثیر آن بر ادبیات.....
۶۷.....	۲- اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی - ادبی کشور بعد از استرداد استقلال.....
۶۷.....	الف) تأثیر استرداد استقلال و تجدید طلبی بر فرهنگ و ادبیات.....

- ب) استیلای یأس و نوعی رکود بر فرهنگ و ادبیات..... ۶۹
- ج) مراکز علمی و فرهنگی در سالیان بعد از رکود..... ۷۶
- د) نهضت دوره هفت شورا و تأثیر آن بر ادبیات..... ۸۲
- ه) بیداری جوانان و آغاز تشکل جریان‌ها و احزاب سیاسی..... ۸۵

### فصل سوم

- سنت‌گرایی و طلیعه تجدد در شعر فارسی دری..... ۹۱
- ۱- نگرشی در باب سنت و تجدد در ادبیات..... ۹۱
- ۲- سنت‌گرایان و طلایه داران تجدد در شعر فارسی دری..... ۹۸
- ۳- بررسی زمینه‌های پیدایش تجددگرایی در شعر معاصر افغانستان..... ۱۰۷
- ۴- واکنش‌ها در برابر شاعران تجددطلب..... ۱۱۸

### فصل چهارم

- ویژه‌گی‌های فکری، بیانی و ادبی در اشعار طلیعه داران تجدد..... ۱۳۵
- ۱- ویژه‌گی‌های محتوایی و فکری..... ۱۳۵
- الف) ویژه‌گی‌های فکری و محتوایی جریان ادبی مشروطه خواه و تجددگرا..... ۱۳۶
- ب) ویژه‌گی‌های فکری و محتوایی شعر سنت‌گرایان معاصر..... ۱۴۱
- ج) ویژه‌گی‌های فکری و محتوایی شعر شاعران نوپرداز..... ۱۶۷
- ۲- ویژه‌گی‌های زبانی..... ۱۸۲
- الف) ویژه‌گی‌های زبانی شعر شاعران مشروطه خواه و تجددطلب..... ۱۸۶
- ب) ویژه‌گی‌های زبانی شعر سنت‌گرایان معاصر..... ۱۹۲
- ج) ویژه‌گی‌های زبانی جریان ادبی نوگرا..... ۲۰۱
- ۳- ویژه‌گی‌های ادبی..... ۲۱۵
- الف) ویژه‌گی‌های ادبی شعر مشروطه خواهان تجددگرا..... ۲۲۳
- ب) ویژه‌گی‌های ادبی شعر سنت‌گرایان معاصر..... ۲۳۱
- ج) ویژه‌گی‌های ادبی شعر نو..... ۲۵۱

## فصل پنجم

- مشاهیر طلايه داران تجدد در شعر دري افغانستان..... ۲۶۰
- ۱- محمود طرزي ..... ۲۶۰
- ۲- عبدالعلي مستغني..... ۲۶۳
- ۳- محمدانور اسمل..... ۲۶۷
- ۴- غلام حضرت شايق جمال..... ۲۶۹
- ۵- عبدالهادي داوي (پريشان)..... ۲۷۳
- ۶- محمداسماعيل سياه..... ۲۷۶
- ۷- ملك الشعرا استاد بيتاب..... ۲۷۸
- ۸- ملك الشعرا قاري عبدالله..... ۲۸۰
- ۹- ابراهيم خليل..... ۲۸۵
- ۱۰- مخفي بدخشي..... ۲۸۶
- ۱۱- محجوبه هروي..... ۲۸۸
- ۱۲- خليل الله خليلي..... ۱۹۱
- ۱۳- سيداسماعيل بلخي..... ۲۹۶
- ۱۴- صوفي عشقري..... ۳۰۲
- ۱۵- رازق فاني..... ۳۰۶
- نتيجه گيري..... ۳۱۰
- پيشنهادها..... ۳۱۱
- منابع وماخذ..... ۳۱۳



## پیشگفتار

پژوهش دست داشته تحت عنوان «طلایه داران تجدد شعردری در افغانستان» محصول پنج سال سعی و تلاش در راستای تحلیل عناصر واژه‌گانی، شگردهای ادبی و نظام‌ها و الگوهای معنایی شعر معاصر دری در افغانستان می‌باشد که از طرف انستیتوت زبان و ادب دری اکادمی علوم افغانستان به عهده من گذاشته شده بود که اینک به یاری و الطاف «خداوند بخشنده دستگیر» و «کریم عطا بخش پوزش پذیر»، به رهنمایی و تحت نظر دانشمند محترم سرمحقق سیدعلیشاه روستایار عضو علمی اکادمی علوم افغانستان به پایان رسیده است. درخور ذکر می‌دانم که نگارنده در تمام بخش‌ها و فصول پنچگانه کتاب از نظریات محققانه و مباحث سودمند استاد استفاده‌های فراوان برده و رهنمایی‌های خردمندانه استاد بسیاری از مسایل و دشواری‌های تحقیق را برایم آسان کرد و استاد با بزرگ منشی تمام دست نوشته‌های مرا چندین بار اصلاح نمودند و جهت پیش برد و انجام بهتر تحقیق، طرح‌ها و پیشنهادهای سودمندی را ارایه کردند که بدین وسیله از استاد محترم اظهار امتنان، قدردانی و سپاسگزاری می‌کنم و سپاس‌های قلبی خویش را ابراز می‌دارم. امید در آینده نیز رهنمایی‌های استاد راهگشای کارهای تحقیقی و پژوهشی ام باشد. همچنان از جمع همکاران، محققان و پژوهشگرانی که از آثار و داشته‌های علمی‌شان استفاده کرده‌ام و دوستان و عزیزانی که در زمینه تکمیل کتاب حاضر معلومات و کتاب‌های سودمندی را در اختیار پژوهنده قرار داده‌اند سپاسگزارم.

بااحترام

محقق علی شیر رستگار

۱۷جدی، سال ۱۳۹۵





## نظر استاد ره‌نما

طلیعهٔ تجدد در شعر معاصر دری، بر مبنای نیاز زمان و زنده‌گی، در سپهر مصفای ادبیات ما پرتو افشانی نموده و همگام با سیر رویدادهای تاریخی و اجتماعی، راهش را به سوی افق‌های ناکرانمند تحول فرهنگی، در جهت نوجویی و آفرینش‌های نوین پیموده است. این نهال همیشه‌بهار سخنوری که ریشه در نخلستان ادبیات کهنسال گذشتهٔ ما دارد، به غنماندی هرچه بیشتر ادبیات معاصر و فرهنگ پُر بار کشور ما افزوده است. پویش در پیدایی و رشد این نوع ادبی و تحلیل ویژه‌گی‌های محتوایی و ساختاری آن، می‌تواند زمینهٔ استفادهٔ جوینده‌گان و پژوهشگران ما را، در مطالب مربوط به ادبیات معاصر فراهم آورد. بر مبنای این مبرمیت بود که پروژهٔ علمی زیر عنوان «طلایه داران تجدد شعر فارسی دری در افغانستان» (۱۲۸۰-۱۳۴۰هـ ش) از جانب انستیتوت زبان و ادب دری، به محترم محقق علی شیر رستگار، جهت ترفیع به رتبهٔ علمی معاون سر محقق تفویض گردید.

سرانجام محترم رستگار توانست، مطابق پلان قبلی، به این پروژهٔ گسترده که پژوهش آن مستلزم دقت و فراست لازم می‌باشد، موفقانه نقطهٔ پایان بگذارد و اثر سودمندی را در ارتباط به ادبیات معاصر کشور عرضه نماید.

پروژهٔ علمی محترم رستگار، حاوی فهرست مطالب، پیشگفتار، مقدمه، پنج فصل، نتیجه گیری، پیشنهادها و فهرست منابع می‌باشد. نامبرده در مقدمه به معرفی موضوع و حدود آن، مبرمیت این پژوهش، روش تحقیق این پروژه و تذکر مطالبی که معرف محتوای این اثر بود، پرداخته است. در فصول این پروژه مطالب به ترتیب زیر تحلیل و توضیح گردیده است:

**فصل اول:** زیر عنوان «مروری به گذشتهٔ موضوع»، آثاری که در ایام مورد بحث به رشتهٔ تحریر در آمده است، به طور موجز به معرفی گرفته شده است.

**فصل دوم:** اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی- ادبی در آستانهٔ تحول و تجدد (۱۲۸۰-۱۳۴۰) با سلسله‌یی از مطالب فرعی دیگر، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

**فصل سوم:** سنت‌گرایی و طلایهٔ تجدد در شعر فارسی دری با عناوین فرعی آن تحلیل و توضیح گردیده است.

**فصل چهارم:** هربخش جداگانهٔ مختصات فکری، زبانی و ادبی تحلیل و بررسی شده است.

**فصل پنجم:** مشاهیر طلایه داران تجدد در شعر دری افغانستان، در سالیان مورد نظر که حدود پانزده تن از سخنوران پیشرو این ایام را در بر می‌گیرد، با ذکر نمونه‌های کلام شان معرفی گردیده‌اند.

در پایان در نتیجه‌گیری کلی، که پیوند ادبیات سالیان مورد نظر را با ادبیات متقدم و سیر تحول شعر فارسی دری را در عصر حاضر بازتاب می‌دهد، وضاحت یافته است. در فرجام، ترتیب فهرست منابع و مآخذ، با رعایت موازین مأخذ نگاری و استفاده از (۱۵۳) اثر علمی، به وجاهت این اثر می‌افزاید. نگارنده در تحلیل و توضیح مطالب، اصول روش‌های علمی پژوهش را مراعات نموده، افزون بر اسلوب پذیرفته پژوهش علمی، از برخی نظریه‌ها جدید در رابطه به تحقیق بهره مند گردیده و در توضیح و تحلیل مطالب، اصول تسلسل منطقی موضوعات را مد نظر داشته است. پژوهنده با مرعی داشتن اسلوب نگارش مناسب و مستدل خویش در موضوعات، ابعاد گوناگون هر مسأله را با حوصله مندی به کاوش گرفته و کوشیده است تا زوایای تاریک مطالب را فروغ بیشتری بخشد.

من به حیث استاد رهنما؛ این پروژه علمی محترم علی‌شیر رستگار را قناعت بخش ارزیابی نموده و آن را برای ترفیع از رتبه محقق به رتبه علمی معاون سرمحقق کافی می‌دانم. در ضمن چاپ این اثر را به مراجع مسؤول اکادمی علوم پیشنهاد می‌نمایم و برای محترم رستگار از بارگاه خداوند یگانه و مهربان موفقیت‌های مزید استدعا می‌دارم.

سرمحقق سیدعلیشاه روستایار

## به نام دانای توانا

### تقریظ:

دگرگونی و تغییر، حقیقت تردیدنا پدید هستی و پدیده‌ها و مظاهر وابسته به آن است که توسعه، انکشاف و رشد پهلوهای مادی و معنوی عناصر سازنده جهان درگرو و مرهون آن می‌باشد. زبان و ادبیات نیز به مثابه جزئی از اجزای این کلیت نمی‌تواند فارغ و به دور از چنین قانونمدی عمل کند. در همسویی با همین روشمندی، ادبیات فارسی دری درفراز و فرود تاریخ و عوامل مسلط برجامعه از نخستین طلیعه درخشش آن تا امروز تحول و دگرگونی‌های پیهم و هماهنگ با خواست زمان را تجربه کرده، به غنا و رشد کنونی دست یافته است.

این ادبیات در درازای صدسال اخیر، به ویژه از ظهور جنبش مشروطیت (۱۲۸۰ ه. ش) تا آستانه ورود به دهه دموکراسی در کشور (۱۳۴۰ ه. ش) که فراتر از نیم سده، یعنی شش دهه را احتوا می‌کند و دوره تجدد خوانده شده است، به گونه وسیعی با تغییر و دگرگونی‌های شکلی و محتوایی چشمگیر مواجه بوده که سخت درخور تأمل و تحلیل گسترده می‌باشد.

پروژه علمی - پژوهشی «طلایه داران تجدد شعر فارسی دری در افغانستان» پویش و تلاش پربراری شمرده می‌شود، که به همت پژوهنده گرامی محقق علی شیررستگار، برای ترفیع به رتبه علمی معاون سرمحقق به انجام آمده و دقیقاً می‌تواند تندیس و تحلیل روشنی از سیمای تحول پذیرفته ادبیات این برهه زمانی (۱۲۸۰ - ۱۳۴۰ ه. ش) را با ارایه عوامل و اسباب، چونی و چندی، معرفی چهره‌های پیشگام و درونکاوی پاره‌یی از سروده‌های آنان به نمایش گذارد.

پژوهنده در پنج فصل با رعایت تسلسل و تناسب منطقی از کارکردهای انجام شده پیشین، بررسی اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی - ادبی، اصل سنت‌گرایی و طلیعه تجدد در شعر فارسی دری مشتمل برکنش‌ها و واکنش‌های هواداران هردو جریان، ویژه‌گی‌های فکری، زبانی و ادبی جریان‌های ادبی این مقطع زمانی و معرفی مشاهیر طلایه داران تجدد، تفسیر و تحلیل گسترده و ارزنده ارایه داده است.

فهرست مطالب، پیشگفتار و مقدمه مبین اهداف، مبرمیت و شیوه کار پژوهنده در آغاز؛ استتاج مدلل، پیشنهادهای توجه پذیر و فهرست دقیق منابع و سرچشمه‌ها در پایان اثر بر وجهه علمی و تخصصی کار افزوده است.

زبان رسا و بیان متین، رعایت ارزش‌های علمی- پژوهشی، استدلال‌ها و حضور فعال نویسنده در تحقیق را می‌توان از ویژه‌گی‌های دیگر این رساله برشمرد. با توجه به موارد فوق، این پژوهشگر پر تلاش و اثرش را موفق و مثبت ارزیابی نموده، در حالیکه ترفیع علمی موصوف را به رتبه علمی معاون سرمحقق و چاپ اثرش را پیشنهاد می‌دارم، باورمندم در راستای تحقیقات و پژوهش‌های ادبی شاهد برداشتن گام‌های بلندی از وی خواهیم بود. توفیق یارش باد!

سرمحقق غلام حسین فرمند

## بسم تعالی

### تقریظ:

به پاسخ نامه شماره (۷۷۵) مورخ ۳۰ / ۱۱ / ۱۳۹۵ مرکز محترم زبانها و ادبیات اکادمی علوم افغانستان، مبنی بر نگارش تقریظ روی اثر علمی - تحقیقی دانشمند گرامی محقق علی شیررستگار تحت عنوان: «طلایه داران تجدد شعر فارسی دری در افغانستان» احتراماً نگاشته می شود که:

ادبیات (شعر و نثر) منحصیث هنر لسانی، از زمانه های دور بدینسو، بر تارک فرهنگ پارینه ما درخشش خود را داشته است؛ چنانچه نویسندگان و سرایشگران این خطه، با قلم توانای شان، شاهکارهایی را به میدان کشیدند.

ادبیات دری با درنظر داشت ایجادیات و تحول جوامع بشری، تحت دو تیره (ستی و جدید) قابل شناخت و بررسی می باشد و این خود یک اصل پذیرفتنی است.

وقتی پای صحبت روی تجدد در ادبیات فارسی دری به میان کشیده می شود؛ از نخستین سالیان سده بیستم عیسوی (۱۹۰۱م / ۱۲۸۰ هـ . ش) تا امروز را باید نشانی کرد، که همراه با نوسانات، راهش را پی می گیرد؛ به ویژه شعر دری که بیشتر معروض به دگرگونی هایی شده است و این خود ایجاب می نماید تا کارهایی مؤثری در زمینه صورت پذیرد.

و اما خوشنودیم که یکتن از پژوهشگران جوان و پرتلاش انستیتوت زبان و ادبیات دری اکادمی علوم افغانستان یعنی جناب محقق علی شیررستگار، با درنظر داشت مبرمیت شعر دوران معاصر دری، با استفاده از منابع متعدد و معتبر و مسئولیت پذیری در زمینه، اثر علمی - تحقیقی بی را به نگارش گرفتند که ضمن آن و یژه گی های فکر، زبانی و ادبی کلام عده یی از «طلایه داران تجدد شعر فارسی دری در افغانستان» را مورد تحقیق، تحلیل و ارزشیابی قرار داده اند؛ زیرا مسلم است که نهضت تجددگرایی اگرچه واکنش هایی را در برابر خود داشته و دارد؛ مگر قبول آن منحصیث یک واقعیت زمان، حتمی است و از همین جاست که پژوهشگر محترم نیز دلایل و شواهد فراوان در این راستا پیشکش نموده است، خصوصاً پیرامون سخنپردازان مشروطه خواه به عنوان (معاصران سستی و تجددگرا) مکث بیشتر دارد.

بدین ترتیب محترم رستگار با نگارش یک چنین اثر علمی - تحقیقی به وضاحت نکاتی چند از پهلوهای شعرنو در افغانستان پرداختند و گامی در راه شناخت عناصر جدید (از نگاه

شکل و محتوا) در کلام شاعران این دوره برداشتند (خداوند متعال سرانگشتانش را از آسیب روزگار در امان بدارد).

با درنظر داشت آنچه گفته شد؛ می‌توان اثر دانشمند گرامی آقای محقق علی شیر رستگار را در زمینه شناخت برخی از جوانب شعر معاصر دری (عصر روشنگری) مفید و ارزشمند تلقی نمود و جناب ایشان را مستحق ترفیع به رتبه علمی معاون سرمحقق می‌دانم. همچنان جهت استفاده بیشتر دوستداران ادبیات، چاپ اثر مذکور پیشنهاد می‌گردد.

با احترام

سرمحقق محمد آصف گلزاد

## تقریظ:

شعر از این حیث که توانسته است پاسخگوی مناسبی برای نیازهای عاطفی، تخیلی و اندیشوی مردمان باشد، به عنوان یکی از برجسته‌ترین گونه‌های هنر زبانی در قلمرو فرهنگی ما شناخته شده و بارزترین جایگاه را نزد ساکنان منطقه دارد.

شعر با ایجازی که در بیان، پیوند و ارتباط گسست‌ناپذیری که با خیال و گریزی که از واقعیت‌های عینی دارد، در نهایت زیبایی و خوبی می‌تواند رازهای ناگفته و حرف‌های پنهانی را بسازد و بسراید و بدین سبب است که عرصهٔ جولان فراختری نسبت به نثر یافته و بیشترین بار اندیشه‌ها را در درازنای حیات به دوش کشیده است.

از روزگاری که اولین سروده‌های پارسی دری به واسطهٔ گرامی شاعرانی؛ چون: محمود وراق، محمد بن وصیف سگزی و حنظلهٔ بادغیسی هستی یافت و رهروان راه آنها، اعم از: رابعهٔ بلخی، رودکی، شهیدبلخی، سنایی غزنوی، فرخی سیستانی، ناصر خسرو بلخی، مولانا جلال‌الدین بلخی، مولانا نورالدین عبدالرحمان جامی و سایرین تا امروز، قد برافراشتند، حس نوجویی و تجدد در شعر به عنوان یک دایعه بزرگ، در رگ رگ سخنوران رسالتمند ما سیلان داشته است.

در هر دوره‌ی از روزگار، پرسوزترین و دلنشین‌ترین اشعار و ترانه‌ها در قالب‌های جدید شعری، هماهنگ با مقتضیات همان دوره آفریده شده است و در کنار شاعرانی که غزل و مدح و هجا هر سه بدان می‌گفتند تا به نان و نوایی برسند، شاعرانی نیز بوده‌اند که قیمتی دُر لفظ دری را به پای خوکان نریخته، در جستجوی افق‌های تازه و نامکشوف در تکاپو بوده‌اند.

گذشته از نوجویی‌های صورت پذیرفته در اعصار گذشته و در دوره‌های کلاسیک شعر فارسی، هنگامی که با گذر زمان به روزگار خویش می‌رسیم، با وجود آنکه در شعر بسیاری از سخنوران بحث اصلی همان زلف یار و چاه زنخدان بوده است، خوشبختانه سیمای رسالتمند و آگاه پُر شماری نیز داشته‌ایم که با توجه به نقش شعر در تحولات اجتماعی، در جستجوی وادی‌های جدید برای بیان اندیشه‌ها و احساسات خویش بوده و توانسته‌اند نقش بارز و به سزایی در بیدارسازی اذهان عامه و تجددگرایی داشته باشند.

انستیتوت زبان و ادبیات دری اکادمی علوم جمهوری اسلامی افغانستان، بر اساس پلان دورنمایی خویش و با توجه به مبرمیت موضوع، پروژه دانشی- پژوهشی را تحت عنوان «طلایه داران تجددِ شعرفارسی دری در افغانستان» تصویب و تحقیق در این زمینه را به محقق ژرف‌نگر و پرتلاش؛ محترم محقق علی شیر رستگار محول نمود.

جای خوشی است که محترم علی شیر رستگار با دقت و موشگافی همه جانبه این مأمول را برآورده ساخته و پروژه علمی- تحقیقی خویش را در زمان تعیین شده تکمیل نموده اند.

رساله علمی «طلایه داران تجدد شعرفارسی دری در افغانستان» با مقدمه شیوا آغاز و محقق گرامی، طی پنج فصل و براساس یک دسته بندی علمی و جامع؛ پس از مروری برگزیده موضوع، اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور را در دوره تحت مطالعه ارزیابی نموده و پیوست با آن مباحث کلیدی بی چون: سنت‌گرایی و طلیعه تجدد در شعر فارسی دری، ویژه‌گی‌های فکری، زبانی و ادبی در اشعار طلیعه داران تجدد را به تحلیل گرفته است.

در واپسین فصل این اثر پژوهشی مشاهیر طلایه داران تجدد به معرفی گرفته شده اند و رساله با نتیجه‌گیری علمی، ارایه پیشنهادهای ارزشمند و ذکر سرچشمه‌های تحقیق خاتمه یافته است.

اثر علمی- تحقیقی محترم محقق علی شیر رستگار با زبان رسای ادبی نگاشته شده و محقق محترم توانسته است با رعایت همه جنبه موازین و معیارهای پذیرفته علمی، یک اثر ارزشمند و مغتنم را به جامعه ادبی کشور تقدیم نماید.

با نظر داشت مواصفات ذکر شده، من اثر علمی- پژوهشی محترم محقق علی شیر رستگار را برای ارتقا به رتبه علمی معاون سرمحقق کاملاً مناسب دانسته، ضمن تأکید برچاپ این اثر ارزنده، از بارگاه ایزد دادگر، توفیقات مزید ایشان را در تمام عرصه‌های زنده‌گی استدعا می‌نمایم.

با احترام

معاون سرمحقق محمدفاضل شریفی



## مقدمه

شعر و ادبیات معاصر افغانستان از آغازین روزهای شکل‌گیری به این سو، همواره از بحر بیکران تمدن و فرهنگ بی‌بدیل دیروز سیر آب شده و ریشه در تار و پود حلهٔ سخن و لطافت کلام شاعران و ادیبان گذشتهٔ این مرز و بوم دارد و مانند سایر پدیده‌های اجتماعی همه ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و ادبی گذشته را به عصر امروز منتقل نموده است و با ابهت تمام بار مسؤلیت بازتاب اندیشه، خواست‌ها، نیازمندی‌ها و آرزوهای بی‌پایان انسان معاصر را به عهده گرفته است. به تعبیر دیگر؛ شعر و ادبیات گذشتهٔ ما میراث و گنجینهٔ بزرگی است که هر سطر و هر صفحهٔ آن تاریخ آرزوها، رنج‌ها، حکایت دلدادگی‌ها، قصهٔ شور و مستی رندان و عشاق پاکباز و روایت آزاده زیستن‌ها و حماسهٔ جانفشانی‌هایی است که منصور وار بر سر دار رفته اند که هرازگاهی شاعران و نویسندگان امروز سروده‌ها و آثار خلاقهٔ شان را به یاری این پشتوانهٔ عظیم فرهنگی و ادبی آستن احساس و اندیشه می‌سازند و از آن استعانت می‌گیرند.

شعر و ادبیات دیروز و امروز در واقع دو روی یک سکه است که در یک صفحهٔ آن ارزش‌های تاریخی، معنوی و فرهنگی گذشته و انسان دیروز نقش شده و در صفحهٔ دیگر آن معرفت و ارزش‌های انسان امروز و جهان معاصر تصویر گردیده است. از این نگاه تحقیق و پژوهش در خصوص تأثیرپذیری‌های شاعران و اندیشمندان معاصر از سخنوران و ادیبان متقدم و باز کردن طومار فرهنگی و ادبی ادبیات کلاسیک برای شناخت شعر امروز، کاری است پر ارج که ما در پژوهش موجود، فرصت مطالعه و تفحص در ادبیات و شعر فارسی دری را از سپیده دم پیدایی تا به روزگار اکنون نداریم، تا از این طریق معلوم شود که حضور ملموس و میزان تأثیرگذاری ادبیات و موارث فرهنگی گذشته بر شعر و ادبیات معاصر تا چه حد و

اندازه است؟ اما به گونه موردی و در موقعیت‌های خاص، سعی خواهیم کرد که به بحث رابطه شبکه‌یی و میان متنی ادبیات گذشته و شعر امروز پردازیم و با تحلیل عناصر فرهنگی و ادبی متون گذشته، واقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نهفته در شعر معاصر را تجزیه و تحلیل نماییم.

هدف از مطالعه و تحلیل محتوایی و تفحص در خصوص سایر عناصر و شگردهای واژه‌گانی، بیانی و آرایه‌های ادبی شعر معاصر افغانستان در پژوهش موجود این است، تا نشان دهیم که شعر و ادبیات دری از زمان ظهور «جنبش مشروطیت» تا تکوین اجتماعی و شکل‌گیری «شعرنو» با وجود همه فراز و فرودها و چالش‌هایی که بر سر راه بالنده‌گی و ظهور گونه‌های جدید ادبی در کشور وجود داشته، نکته عطفی در تاریخ ادبیات معاصر افغانستان است که در هیچ یک از دوره‌های گذشته، شاهد چنین تحولات سریع و همه‌جانبه در عرصه فرهنگ و ادب نبوده ایم. دقیقاً در فاصله سال‌های (۱۲۸۰-۱۳۴۰ ه. ش) است که در شعر و ادبیات افغانستان هم از نگاه فورم و قالب و هم در عرصه محتوا و مضمون تغییرات شگرفی رو نما می‌شود و شاعران با استفاده از قابلیت‌ها و توانمندی‌های زبان شعر، گفتمان‌هایی را در عرصه فرهنگ و ادب مطرح می‌کنند که از یک سو بار سیاسی و اجتماعی عصر را حمل می‌کند و از سوی دیگر مُبَلِّغ مظاهر مدنیت جدید و انعکاس دهنده فکر و اندیشه‌های مختلف و ایدئولوژیک در قرن بیستم است. به همین اساس مطالعه ساختاری و تحلیل ویژه‌گی‌های معنایی، ادبی و زبانی شعر شاعران معاصر کار ساده و آسانی نیست؛ مگر اینکه مطابق به اصل پذیرفته شده علمی که هر پدیده گسترده و پیچیده را براساس شباهت‌ها، گونه‌ها و نوعیت آن به شاخه‌ها و شعب گوناگون صورت بندی می‌کنند، شعر و ادبیات معاصر دری را نیز به بخش‌ها و جریان‌های مختلف دسته بندی کنیم که در واقع طرح این مسأله به عنوان یک امر تحقیقاتی زمینه آن را برای ما فراهم می‌کند، تا در پرتو نظریه‌های ادبی، شعر و جریان‌های ادبی معاصر دری را خوبتر تحلیل و تبیین نماییم.

دسته بندی و جریان شناسی شعر با رویکرد جامعه‌شناسانه و انتقادی یکی از ده‌ها روش و شیوه مطالعه در دوره معاصر است که موارث فرهنگی و متون ادبی را به صورت منسجم و روشمند مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد و با توجه به فرایندهای نظام‌های ادبی و معنایی و

همچنان با در نظر داشت اوضاع و احوالی که سبب به وجود آمدن متون و جریان‌های ادبی شده است، به تحلیل پیوندها و تأثیر متقابل ادبیات و جامعه می‌پردازد. اتخاذ چنین روش مطالعاتی جهت توصیف و تحلیل مفاهیم و موضوعاتی که در این تحقیق، در زمینه نظام‌ها و جریان‌های ادبی و جمال شناختی شعر شاعران معاصر افغانستان مطرح می‌شود، مقصود و غایت نهایی این پژوهش است.

کتاب حاضر در کل شامل پنج فصل است که در فصل‌های دوم، سوم و چهارم جریان‌های ادبی معاصر بر مبنای ادوار تاریخی و تحولات مهم فرهنگی سال‌های پسین افغانستان و با در نظر داشت تداوم سنت‌های شعری شاعران گذشته، دسته بندی شده است؛ اما در فصل نخست به مطالعه و بررسی منابعی پرداخته ایم که به نحوی با موضوع مورد بحث مرتبط است و سعی شده که روش و اهمیت کار در تحقیق دست داشته، با کتاب‌هایی که قبلاً پژوهشگران در این خصوص تألیف نموده اند، برجسته شود.

مهم ترین موضوعی که در این پژوهش به عنوان مسأله اصلی مطرح شده و هسته بحث را شکل می‌دهد، تداوم هنجارها و اصول سنتی نظام ادبی کهن در شعر معاصر افغانستان است. به همین دلیل بحث خود را از زمانی آغاز می‌کنیم که شاعران مشروطه خواه و تجددطلب تماس‌های مستقیم و غیرمستقیم فرهنگی با شاعران و تجددطلبان کشورهایمانند: ترکیه عثمانی، مشروطه خواهان ایران و هند برقرار می‌کنند. دقیقاً در همین زمان است که اصطلاحات و مفاهیم جدید اجتماعی و سیاسی وارد شعر فارسی دری افغانستان می‌گردد، به همین دلیل عصر مشروطیت از نظر تاریخی و فرهنگی یکی از دوره‌های مهم در تاریخ ادبیات معاصر دری به شمار می‌آید که برای نخستین بار، مفاهیم و اصطلاحاتی مانند: تجدد ادبی، مشروطه خواهی، حصول استقلال و آزادی در حوزه شعر فارسی دری به عنوان یک گفتمان ادبی مطرح شده است؛ ولی آنچه به عنوان یک واقعیت تاریخی و عینی نوع مناسبت و نحوه ارتباط عناصر و آرایه‌های ادبی و ساختاری شعر مشروطه خواهان را با شعر کلاسیک و سنت‌های ادبی گذشته حفظ نموده، استواری و استحکام عناصر ساختاری، واژه گانی و شیوه‌های معنا آفرینی در شعر این دوره است؛ چون: مشروطه خواهان در زمینه بازتاب اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی شان به طور چشمگیر از عناصر و اصطلاحات سنت کلاسیک شعر فارسی دری

استفاده می‌کردند؛ ولی تنها چیزی که از نظر محتوا و مضمون شعری، اشعار مشروطه خواهان را از شعر کلاسیک فارسی دری متفاوت می‌سازد، مفاهیم و اصطلاحات سیاسی، اجتماعی و بازتاب مظاهر مدنیت جدید است که در شعر کلاسیک فارسی دری نمی‌توان نشانه‌های آن را یافت. بنابراین در فصل دوم این پژوهش؛ متناسب به طرح مسأله به مطالعات و مباحث تاریخی می‌پردازیم و بحث مشروطه خواهی را با مرور اجمالی و کوتاه از اوضاع و احوال اجتماعی و مسایل سیاسی عصر امیرحیب‌الله خان که برای نخستین بار ایده تجددگرایی در این دوره از سوی مشروطه طلبان مطرح شده است، مورد کند و کاو قرار می‌دهیم و بحث را با رویکرد جامعه شناسانه در عصرامانی و دوره‌های بعد تا دههٔ چهل خورشیدی، دنبال می‌کنیم و موضوعات و مفاهیم اجتماعی و سیاسی را که به گونهٔ مستقیم و غیر مستقیم بالای ادبیات معاصر فارسی دری تأثیر گذاشته، در یک فرایند تاریخی، شناسایی و مورد مطالعه قرار می‌دهیم؛ زیرا طرح این موضوع برای ما در جهت شناخت و اهمیت شعر تجددگرایان و مشروطه خواهان، سنت‌گرایان معاصر و زمینه‌های اجتماعی و چگونگی تکوین و روند شکل‌گیری «شعرنو» که در فصول بعدی، مورد مطالعه قرار می‌گیرد، کمک می‌کند و زمینهٔ بررسی ساختارهای متفاوت صورت و قالب، موضوع، مضمون و نوع ادبی را به عنوان ملاک تشخیص دهندهٔ «شعرنو» از شعر کلاسیک فارسی دری و اشعار سنت‌گرایان معاصر به وجود می‌آورد.

مطالعهٔ جوهره و تحلیل محتوایی و ساختاری شعر شاعران عصر مشروطیت، تدقیق در خصوص محتوا و مضمون شعر سنت‌گرایان معاصر و بررسی شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی که در آن «شعرنو» به عرصهٔ ظهور رسیده است، راه را به یک موضوع مهم دیگر باز می‌کند که آن عبارت از امکان بررسی و تفحص در زمینهٔ تأثیر متقابل ادبیات و جامعه است که به گونهٔ ضمنی فرصتی را برای مطالعهٔ زوایای پیدا و پنهان‌گرایش‌ها و جریان‌های ادبی معاصر در بستر تاریخی و فرهنگی آن، فراهم می‌سازد، به همین جهت در فصل سوم، ترسیم طرح نظری مسأله براین فرض استوار است که روند تکوین اجتماعی و شکل‌گیری جریان‌های ادبی معاصر بر پایه سیرتاریخی آن صورت گرفته و به لحاظ ساختار، محتوا و نوع ادبی با اشعار دوران کهن در پیوند اند، به همین سبب، نخست به بررسی و مطالعهٔ مفهوم

سنت و تجدد ادبی و موانعی که بر راه ترویج و اشاعه ایده تجددگرایی و گونه‌های جدید ادبی در افغانستان وجود داشته است، پرداخته ایم و متن‌هایی مورد مطالعه قرار گرفته است که در آنها اصول و قواعد ساختاری و نظام ادبی شعر کلاسیک پا برجا است و شاعران در عرصه سخنوری از قراردادهای، هنجارها و نظام معنایی و دانایی شعر شاعران متقدم پیروی کرده‌اند. اما در زمینه بررسی جریان ادبی نوگرا، مطالعه خود را بیشتر بر خوانش و تحلیل اشعار و کنکاش در نشانه‌ها و عناصر فرهنگی شعر شاعران نوپرداز استوار کرده ایم که در واقع، نمود آشکار عبور و گذر از هنجارها و قواعد ساختاری شعر سنتی به نظام ادبی و عناصر فرهنگی «شعرنو» است.

در فصل چهارم ترسیم پارادایم و شمای نظری عناصر زبانی و ادبی و طرح کلی از نظام ادبی شعر معاصر فارسی دری، همراه با ساختارهای بنیادین و الگوهای معنا آفرینی اشعار شاعران عصر مشروطیت، سنت‌گرایان معاصر و جریان ادبی نوگرا، به عنوان مسأله اصلی تحقیق، مطرح شده است که این طرح تحقیقاتی به ما امکان می‌دهد تا عناصر واژه‌گانی و دلالت‌های مفهومی و معنایی شعر شاعران مورد مطالعه را در روشنی از نظریه‌های ادبی معاصر بهتر تبیین نماییم؛ چون بر اساس یک ایده ظاهراً بدیهی و متعارف اعتقادی شایع است و آن اینکه ما در هنگام خواندن و مطالعه آثار ادبی به دنبال معنایی هستیم که در ذهن شاعر و نویسنده بوده و ما آن معنا را از متن استخراج می‌کنیم. حال آنکه گراهام آلن و سایر نظریه پردازان معاصر این باور را به چالش کشیده و تأکید کرده‌اند که آثار ادبی بر اساس نظام‌ها و سنت‌های هنری و فرهنگی پیشین بنا می‌شوند و کارخوانش و تأویل متن، ما را به شبکه‌یی از روابط متنی وارد می‌کند.<sup>۱</sup> بنابراین با در نظرگیری طرح کلی پژوهش، سعی شده است که هر مرحله و هر دوره فرهنگی را همراه با خصوصیات اساسی و گفتمان‌های مسلط فرهنگی آن به دقت مطالعه و توصیف نماییم و با اتخاذ شیوه تلفیقی، سیر تحول و فرایند نظام ادبی و نشانه‌های فرهنگی شعر شاعران هر دوره را در چارچوب نظریه بینامتنیت و نظریه تاریخ‌گرایی نوین تبیین، تحلیل و تفسیر کنیم.

فصل پنجم را به معرفی و زنده‌گینامه شاعرانی اختصاص داده ایم که با نوع نگاه معطوف به اصول و قراردادهای فرهنگی و سنت‌های ادبی شعر کلاسیک، واژه‌گان و عناصر فرهنگی

<sup>۱</sup> - مراجعه شود به کتاب: بینامتنیت، نوشته گراهام آلن، ترجمه پیام یزدانجو، نشر مرکز، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۱-۱۲.

مربوط به مظاهر مدنیت جدید و ایدهٔ تجدیدگرایی را در اشعار شان بازتاب داده اند. به همین جهت برای آشنایی بهتر و انجام مطالعه و بررسی‌های دقیق‌تر، زنده‌گینامهٔ عده‌یی از شاعران همراه با نمونه‌های شعری شان، مورد مطالعه قرار گرفته است و در کُل آرزوی نگارنده در تحقیق دست داشته، این بوده است که پژوهش موجود بتواند اهل دانش و فضل را در زمینهٔ مطالعات مربوط به حوزهٔ ادبیات معاصرِ دری یاری رساند و گامی باشد در تنویر سایه روشن‌های جریان‌های ادبی که در سال‌های پسین در عرصهٔ فرهنگ و ادب افغانستان، قد برافراشته و درخت بارور کهن سال ادبیات فارسی دری را تنومند ساخته اند.

در اخیر یاد آوری می‌کنم که این کتاب به منزلهٔ مطالعهٔ منسجم و روشمند در زمینهٔ مطالعهٔ پیوندها و شبکهٔ از روابط متنی میان شعر کلاسیک و متأخر و تبیین رویکردهای متفاوت جریان‌های ادبی معاصر افغانستان است که خواننده‌گان به دلیل مرتبط بودن موضوعات احتمالاً تمام فصول را از ابتدا تا انتها خواهند خواند.